

می‌کند. تأمین تقریباً نیمی از درآمد بودجه سالیانه کشور از محل رانت، باعث می‌شود تا هر گونه نوسانی در میزان آن، مستقیماً بر بخش‌های مختلف اقتصادی اثر بگذارد. در حالی که این امر بر اقتصادهای غیر رانتیر که بودجه آنها اتکای چندانی به محصولی خاص و فروش آن ندارد، چندان آسیبی نخواهد زد؛ مثلاً شاخصه‌های اقتصاد ترکیه به‌عنوان یک اقتصاد غیر رانتی که شباهت‌های زیادی به ایران دارد، نشان می‌دهد که این کشور ۸۲ میلیونی (جمعیت)، در سال ۲۰۱۷ حدود ۸۵۲ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی (بر اساس نرخ رسمی)، ۱۶۶ میلیارد دلار صادرات، ۱۷۰ میلیارد دلار درآمد مالیاتی، ۱۷۲ میلیارد دلار درآمدهای مصوب بودجه و هیچ سهمی از صادرات مواد هیدروکربوری داشته است (Factbook, 2017). در حالی که ایران با جمعیت مشابه، ۴۴۵ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی (Worldbank, 2017)، حدود ۱۰۵ میلیارد دلار صادرات (شامل ۶۵,۸۰۰ میلیارد دلار صادرات نفتی)، ۲۷,۵۸۰ میلیارد دلار درآمد مالیاتی (با نرخ ۴۲۰۰ تومان مصوب قانون بودجه) و ۹۴ میلیارد دلار درآمد مصوب بودجه داشته است (اداره بررسی‌های اقتصادی بانک مرکزی، ۱۳۸۰-۱۳۹۶).

مقایسه‌ای گذرا نشان می‌دهد اقتصاد کشوری مانند ترکیه به دلیل صادرات فراوان و متعدد، وابسته نبودن به یک کالای خاص، عدم تکیه بودجه‌ای به درآمدهای ارزی خارجی و البته تأمین تام با مالیات؛ در شرایط مشابه، آسیب‌پذیری کمتری از تحریم خواهد داشت؛ هر چند نمی‌توان با وجود شیوه‌ها و ابزار پیشرفته‌تر امروزی، آن را غیر قابل تحریم دانست، مطمئناً اقتصاد رانتی در مقابل تحریم صدمه‌پذیرتر بوده و شرایط را برای مؤثرسازی آن فراهم‌تر می‌کند. نکته دیگر اینکه اقتصادهای رانتی به دلیل هزینه‌کرد رانت از سوی دولت، ساختار اقتصادی دستوری دارند که در چنین شرایطی، بخش خصوصی توانمند و مولد که محرک اصلی رشد و بالندگی اقتصادی است شکل نگرفته و رویکردی ویژه‌خوارانه و وابسته به خود می‌گیرد؛ لذا در زمان فشار و محدودیت، قادر به تأمین نیازهای کشور نخواهد بود. به همین دلیل است که بسیاری از کشورها مانند فرانسه که تا دو دهه پیش حمایت‌های فراوان دولتی از اقتصاد داشتند،